



Volume 4, Issue 2, 2024

Comparative Study of Intent and Will to Commit a Crime and Sin in Criminal Jurisprudence

Mohsen Kord Tamini¹, Nader Mokhtari Afrakati*², Ehsan Samani³

1. PhD Student, Department of Fiqh and Islamic Law, Zahedan Branch, Islamic Azad University, Zahedan, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Legal Fundamentals, Faculty of Theology, Sistan and Baluchestan University, Zahedan, Iran. (Corresponding Author)

3. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Legal Fundamentals, Faculty of Theology, Sistan and Baluchestan University, Zahedan, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 53-62

Corresponding Author's Info

ORCID: 0009-0008-7731-8806

TELL: +985431136400

Email: dr_mokhtariafra@theo.usb.ac.ir

Article history:

Received: 15 Feb 2024

Revised: 22 Apr 2024

Accepted: 24 May 2024

Published online: 21 Jun 2024

Keywords:

Intention, Will, Crime, Sin, Action, Punishment.

ABSTRACT

The intention and will to commit a crime is one of the topics of debate and disagreement in criminal jurisprudence. Based on this, the purpose of this article is to examine this important question, what is the intention and will to commit a crime compared to committing a sin in criminal jurisprudence and what is the approach of criminal jurisprudence in this regard? This article is theoretical and has investigated the mentioned question using descriptive analytical method and library. The findings indicate that the intention to commit a crime is not punishable. The intention to commit a crime in Islamic punishment is because it is not punished at the stage of actualization according to the opinion of most jurists and jurists, because punishment is assigned to action. Iran's Islamic Penal Code has also followed the same principle and has not provided punishment for the intent to commit a crime. Between crime and sin in criminal jurisprudence, there is a relationship between the public and the private. This means that it can be said that some sins are crimes, such as adultery. Some sins are not crimes, such as lying and backbiting. Some crimes are sins. Like: Drinking wine. At the same time, some crimes are not sins. Such as: Purely wrongful crimes. The result is that religious teachings are beyond the laws of human subjects and the ruler and judge is God and His justice, as well as the power of conscience, which is created by God and acts as an inner court.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2024 The Authors.

How to Cite This Article: Kord Tamini, M; Mokhtari Afrakati, N & Samani, E (2024). "Comparative Study of Intent and Will to Commit a Crime and Sin in Criminal Jurisprudence". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 4(2): 53-62.



انجمن علمی فقه‌های تطبیقی ایران

فصلنامه فقه‌های تطبیقی

www.jccj.ir



فصلنامه فقه‌های تطبیقی

دوره چهارم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۳

بررسی مقایسه‌ای قصد و اراده ارتکاب جرم و گناه در فقه جزا

محسن کردتمینی^۱، نادر مختاری افراکتی^{۲*}، احسان سامانی^۳

۱. دانشجوی دکتری گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران.

۲. استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق، دانشکده الهیات، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران. (نویسنده مسؤول)

۳. استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق، دانشکده الهیات، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.

چکیده

قصد و اراده ارتکاب جرم و گناه از موضوعات محل بحث و اختلاف نظر در فقه جزا است. بر همین اساس هدف مقاله حاضر بررسی این سؤال مهم است که قصد و اراده ارتکاب جرم در مقایسه با ارتکاب گناه در فقه جزا چگونه بوده و رویکرد فقه جزا در این خصوص چگونه است؟ این مقاله نظری بوده و با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و به صورت کتابخانه‌ای به بررسی سؤال مورد اشاره پرداخته است. یافته‌ها بر این امر دلالت دارد که قصد ارتکاب جرم قابل مجازات نیست. قصد ارتکاب جرم در جزای اسلامی به دلیل این که به مرحله فعلیت نرسیده، مطابق دیدگاه اکثر فقها و حقوق‌دانان مجازاتی به آن تعلق نمی‌گیرد، چون کیفر به فعل و عمل تعلق می‌گیرد. قانون مجازات اسلامی ایران نیز از همین اصل تبعیت کرده است و برای قصد ارتکاب جرم مجازاتی را پیش‌بینی نکرده است. میان جرم و گناه در فقه جزا رابطه عموم و خصوص من‌وجه وجود دارد، بدین معنی که می‌توان گفت بعضی گناهان جرم هستند، مانند زنا. بعضی گناهان جرم نیستند، مانند دروغ و غیبت. بعضی جرم‌ها گناه هستند، مانند شرب خمر. در عین حال بعضی جرم‌ها گناه نیستند، مانند جرایم خطایی محض؛ نتیجه این که تعالیم مذهبی فراتر از قوانین موضوعه بشری است و حاکم و داور خدا و عدالت اوست و همچنین نیروی وجدان که آفریده خداوند و به‌عنوان دادگاه درونی است.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۵۳-۶۲

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد آرکاید: ۸۸۰۶-۱۱۳۶۴۰۰-۷۷۳۱-۸-۰۰۰۸-۰۰۰۹

تلفن: +۹۸۵۴۳۱۱۳۶۴۰۰

ایمیل: dr_mokhtariafra@theo.usb.ac.ir

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۲۶

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۳/۰۲/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۰۴

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۴/۰۱

واژگان کلیدی:

قصد، اراده، جرم، گناه، فعل، عقوبت.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

یکی از مسائل مورد بحث در علم جزای اسلامی، مسأله قصد ارتکاب جرم است که درباره آن نظرات متفاوتی ارائه شده است. «کسی که قصد ارتکاب جرمی را دارد از لحظه اندیشه ارتکاب جرم در ذهن تا تحقق فعل مجرمانه در خارج، مراحل را طی می‌کند که برخی از حقوق‌دانان آن‌ها را ۴ مرحله ذکر کرده‌اند: ۱- اندیشه مجرمانه یا قصد ارتکاب جرم؛ ۲- تهیه آلات و مقدمات جرم؛ ۳- شروع به اجرا؛ ۴- انجام کامل جرم» (گلدوزیان، ۱۳۸۴: ۱۸۰). نخست در تعریف جرم باید گفت در اصطلاح حقوق هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد، جرم محسوب می‌شود. ماده ۲ ق.م.ا (۱۳۸۹): «در متون و منابع دینی جرم یا جرمیه و مشتقات آن‌ها مترادف با گناه و در همان معنای لغوی به کار رفته است» (طوسی، ۱۳۵۳: ۵۷۷/۳). برخی فقها و مؤلفان دینی نیز «جرم را گناه و ذنب را جرم معنا کرده‌اند» (مجلسی، ۱۳۷۵: ۲۵۷؛ طباطبائی، ۱۳۶۵: ۲۱۸). یکی از عناصر تحقق جرم، عنصر روانی است به این عنصر روانی در جرایم عمدی «قصد مجرمانه» اطلاق می‌شود که مترادف با «سوءنیت» است. «قصد مجرمانه یا سوءنیت در قانون تعریف نشده است و مقتن در متون قانونی با استفاده از عباراتی همچون قصد سرقت، قصد اضرار قصد استفاده نامشروع عالم، عامداً و امثال آن داشتن قصد مجرمانه را در ارتکاب جرم عمدی مورد تأکید قرار داده است، برای تبیین مفهوم قصد مجرمانه در ابتدا لازم است مفهوم اراده روشن شود؛ اراده، یعنی خواستن اراده؛ ارتکاب عمل مجرمانه، یعنی خواستن انجام آن عمل. در اینجا منظور از قصد مجرمانه در ارتکاب جرایم قصدی است که توأم با اراده و ارتکاب عمل مجرمانه باشد. حقوق‌دانان در تعریف قصد مجرمانه یا سوءنیت نظرات متفاوتی بیان کرده‌اند؛ برخی سوءنیت را شناخت نامشروع بودن عمل ارتكابی توسط فاعل جرم دانسته‌اند» (گلدوزیان، ۱۳۸۴: ۱۸۰). «برخی دیگر با تأکید بر این‌که جهل به قانون رافع مسؤولیت نیست، ضمن انتقاد از این تعریف سوءنیت یا قصد مجرمانه را به عنوان خواستن و میل مرتکب در انجام یک عمل مجرمانه و تحقق نتیجه آن تعریف کرده‌اند و سرانجام برخی قصد مجرمانه را کشش و تمایل به انجام عملی که

قانون آن را نهی کرده، دانسته‌اند» (زراعت، ۱۳۸۵: ۱۰۴-۱۰۲). مرحله تفکر و اتخاذ تصمیم بر ارتکاب جرم، از جمله مراحل است که محل نقد و نظر است. همین امر دستمایه نگارش مقاله حاضر شده است. برخی پژوهش‌ها درخصوص نقش اراده در ارتکاب جرم انجام شده است: مهسا شیروی و حنظله رستمیان، در مقاله‌ای، به بررسی نقش اراده در تحقق مسؤولیت کیفری در نظریات جرم‌شناختی و تأثیر آن بر مسؤولیت کیفری منحرفین جنسی پرداخته‌اند (شیروی و رستمیان، ۱۳۹۰: ۸۴-۴۳). همچنین محمدجواد فتحی، فرهاد چنگایی و حامد رهدارپور در مقاله‌ای، تحدید قلمرو جرم محال را مورد بررسی قرار داده‌اند (فتحی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۶۹-۱۴۷). تمایز و نوآوری مقاله حاضر نسبت به پژوهش‌های انجام‌شده، این است که هدف مقاله حاضر بررسی این سؤال مهم است که قصد و اراده ارتکاب جرم در مقایسه با قصد اراده ارتکاب گناه را در فقه جزا به صورت مقایسه‌ای چگونه است؟ به منظور بررسی سؤال مورد اشاره، ابتدا قصد و ارتکاب جرم و در ادامه درجات قصد مجرمانه و در نهایت قصد و ارتکاب گناه در فقه جزا بررسی شده است.

۱- قصد ارتکاب جرم در فقه

واژه قصد غالباً به معنای آهنگ چیزی کردن آمده، ابن منظور در لسان‌العرب می‌گوید: «القصد: استقامه الطريق. قصد یقصد قصداً، فهو قاصد» (ابن منظور، ۱۴۰۵، ذیل واژه). قصد، یعنی راه متصف باشد، به همان وصفی است که غرض ما باشد. «در جزای اسلامی قصد مجرمانه غالباً مترادف با سوءنیت است و آن اراده جهت‌یافته به مقاصد نهی‌شده در حقوق جزا می‌باشد» (زراعت، ۱۳۸۵: ۱۰۴-۱۰۲). از نظر لغوی اراده عبارتست از خواستن، طلب کردن قصد و آهنگ و عزم (عمید، ۱۳۵۵: ۱۰۰).

۱-۱- عناصر قصد مجرمانه

در سوءنیت قصد مجرمانه سه عنصر وجود دارد: اول، اراده که در جرایم عمدی و غیرعمدی عنصر مشترک است؛ دوم، خواستن عمل مجرمانه؛ سوم، خواستن نتایج حاصل از عمل مجرمانه. عده‌ای از حقوق‌دانان علاوه بر سه عنصر یادشده، عنصر چهارمی نیز برای تحقق سوءنیت قائل هستند و آن

رفع که بر صحت گزارف فوق دلالت دارد، رسول خدا (ص) می‌فرماید: «از امت من ۹ چیز برداشته شده است، اشتباه، فراموشی، آنچه به آن مجبور شده‌اند، آنچه نمی‌دانند، آنچه توانش را ندارند، آنچه به آن ناچار شده‌اند، فال گرفتن با پرنده، حسادت و تفکر، وسوسه در خلقت خداوند تا وقتی که بر دو لب جاری نکرده‌اند» (حر عاملی، ۱۴۱۳: ۳۶۹). همچنین از حضرت پیامبر نقل شده است که: «اگر کسی در دل خود بر دیگران حسد بورزد، ولی عملی با آن توأم نباشد و تجلی خارجی نیابد، مسؤولیتی ندارد یا اگر کسی یک اتفاق و حادثه‌ای را به فال بد برای خود و دیگران گیرد، ولی در خارج اثری بر آن بار نکند و عملی بر پایه آن نیاورد، مسؤول و مجرم نیست. همچنین اندیشه این‌که در میان مردم وسوسه کند و زیانی به آنان برساند تا هنگامی که جامه عمل به خود نپوشیده و زبان بدان سخن نگفته است، جرم شمرده نمی‌شود و کیفر ندارد» (حر عاملی، ۱۴۱۳: ۳۶۹)، بدین معنی که در حدیث دیگری پیغمبر (ص) فرمود: «خداوند امت مرا بخشیده است از آنچه در نفس آنان وسوسه می‌شود یا نفس آنان را وسوسه می‌کند یا آنچه را با خود حدیث نفس می‌کنند و در آن می‌اندیشند، مادام که بدان عمل نکرده‌اند و یا بر زبان نیاورده‌اند» (پاینده، ۱۳۶۱: ۱۳۸). اسلام در رفتار با منافقان و دو رویان نیز بر همین اصل تکیه کرده است. خدا درباره آنان به پیغمبر خود چنین خطاب کند: «ای پیغمبر هنگامی که منافقون پیش تو می‌آیند، گویند ما شهادت می‌دهیم تو رسول خدایی، خدا می‌داند تو رسول اوئی و خدا گواهی می‌دهد که منافقان دروغگو هستند، سوگندهایشان را سپری گرفتند و از راه خدا جلوگیری کردند، آنان آنچه کرده‌اند بد است، سوگندهای خود را چون سپری بر خود گرفته و مردم را از راه خدا بازداشته‌اند، راستی که آنان چه بد می‌کنند» (منافقون/۲-۱).

در جواهرالکلام آمده است: «قول نزدیک‌تر به صواب این است که توبه زندقی که اظهار ایمان می‌کند، پذیرفته است، اگرچه کفر را در دل پنهان می‌دارد. پس اندیشه هرچه زشت‌تر تا هنگامی که بر زبان جاری نشده و جامه عمل نپوشیده، جرم نیست، پس مجازات ندارد و این به‌خاطر امتنان و ارفاق نسبت به امت است، اگرچه حسد فی‌ذاته و از نظر اخلاقی گناه است و موجب آرایش، روح همچنین بدخواهی و اندیشه بد، داشتن ولی از نظر ظاهری در تکالیف اسلامی مسؤولیتی دنیوی در پی نخواهد داشت و جرمی محسوب

معرفت و آگاهی فرد بر واقعیت عمل ارتکابی و غیرقانونی بودن آن است، به همین علت گاهی اشتباه در کیفیت یا ماهیت عمل ارتکابی وصف مجرمانه را زائل می‌نماید (شامبیاتی، ۱۳۷۶: ۴۰۴)، مثلاً در ماده ۱۶۶ (۱۳۸۸) قانون گفته شده که: «در صورتی که شراب‌خورده مدعی جهل به حکم یا موضوع باشد و صحت دعوی وی محتمل باشد، محکوم به حد نخواهد شد.» همچنانکه می‌دانیم در حقوق جزای اسلامی قاعده‌ای تحت عنوان «تدراً الحدود با شبهات» وجود دارد، به‌موجب این اصل در موارد شبهه باید از اجرای حد جلوگیری شود. شبهه عبارت از خطا و اشتباه در اثر جهل به حکم و یا جهل به موضوع است. بنابراین شبهه یا حکمی است و یا موضوعی در شبهه حکمی شخص جاهل به حکم قانون و در شبهه موضوعی شخص جاهل به عمل خود می‌باشد (فیض، ۱۳۸۴: ۲۲۶). «پس زمانی سوعنیت تحقیق پیدا می‌کند که مرتکب جرم خواستار نتیجه عمل و نتایج حاصله از عمل مجرمانه باشد و تا این ارکان تحقیق، نباید سوعنیت وجود نخواهد داشت. بنابراین اگر کسی اراده در انجام عمل داشته و اراده در حصول نتیجه عمل نیز داشته باشد، مرتکب جرم عمدی شده و سوعنیت محرز است، ولی اگر کسی اراده در عمل داشته، ولی اراده در نتیجه حاصل از عمل را نداشته باشد، به‌شرط آنکه نتایج هم قابل پیش‌بینی نباشد، مرتکب جرم شبه‌عمدی شده و در اینجا نیز سوعنیت تحقق نخواهد یافت. حال اگر کسی اراده در عمل نداشته و اراده در نتیجه هم نداشته باشد، مثل کسی که در داخل جنگل ممنوع شده، اقدام به شکار حیوانات نموده و ناگهان گلوله به شخص اصابت و فوت شود، در اینجا چون فرد مرتکب نظامات دولتی را رعایت نکرده و وارد جنگل ممنوعه شده، به‌علت خطای جزایی قابل پیگیری است» (گلدوزیان، ۱۳۸۴: ۱۸۰).

«مجرم در این مرحله (مرحله قصد ارتکاب جرم) قصد کرده است جرم را مرتکب شود، ولی جرمی مرتکب نشده و تا وقتی که قصد مجرمانه او جامه عمل نپوشیده و عنصر مادی جرم تحقق نیافته است، جرم نیست. در حقوق جزای اسلامی مقرر است که انسان در قصد ارتکاب جرم یا خطور دادن آن در اندیشه یا وسوسه‌شدن وجدان به آن مؤاخذه نخواهد شد و کیفر نخواهد داشت» (ساک، ۱۳۸۸: ۱۳۵). مطابق حدیث

به کار ارتکاب می‌شود، ولی به‌علت آنکه هدف جرم قبلاً، مرده و یا کشته شده است، محال است جرم تحقق پیدا کند، زیرا مرده یا کشته را بار دیگر نمی‌توان کشت، زیرا تحصیل حاصل است و تحصیل حاصل محال است یا به‌علت خصوصیتی و صفتی در ابزار جرم امکان‌پذیر نمی‌گردد، مثل این‌که زهری را که فکر می‌کرد کشنده باشد، کشنده نبوده و شمشیر برنده نباشد» (فیض، ۱۳۷۹: ۱۶۰). «پس در جرم محال کار مجرمانه تحقق خارجی نیافته و هیچ ستمی بر کسی وارد نشده و هیچ مفسده‌ای به بار نیامده است، ولی چیزی که مسلم و غیرقابل انکار است، این است که مرتکب با سوءسریبه و خبث طینت و بدسیرتی و بدمنشی قصد ارتکاب جرم را تا آخرین مرحله آن داشته و از این بابت می‌توان گفت با یک مجرم واقعی که جرم را در خارج تحقق بخشیده است، فرقی ندارد و تمام ویژگی‌های نفرت‌انگیز و صفات رذیلانه‌ای که یک مجرم واقعی را به ارتکاب جرم وامی‌دارد، در او نیز بدون هیچ کم و کاستی وجود داشته، در این صورت قانون جزا در این‌باره چه می‌گوید؟ آیا مرتکب جرم محال را مجرم می‌شناسد و درخور کیفر می‌داند؟ یا می‌گوید او مجرم نیست و درخور کیفر نمی‌باشد؟ اصطلاح جرم محال، در حقوق جزای اسلامی تحت این عنوان خاص «جرم محال» مطرح نشده، ولی از دیرباز و خیلی پیش از آنکه حقوق‌دانان اروپایی آن را مطرح کنند، مورد بحث و بررسی حقوق‌دانان اسلامی قرار داشته که اخیراً تحت نام جرم تجری از آن نام برده شده است» (گلدوزیان، ۱۳۸۴: ۱۷۶-۴۸). حکم آن در نظام کیفری کشور ما اباحه است (اردبیلی، ۱۳۸۴: ۳۰).

۲- درجات قصد مجرمانه

قصد مجرمانه، دارای درجاتی است و در این قسمت به بررسی درجات قصد مجرمانه پرداخته می‌شود.

۱-۲- قصد یا سوءنیت عام و قصد یا سوءنیت خاص

«سوءنیت عام عبارت از اراده خود آگاه شخص در ارتکاب عمل مجرمانه، وجود این سوءنیت برای آنکه جرم عمدی تحقق یابد، همیشه لازم است، ولی کافی نیست، در برخی از جرایم علاوه بر سوءنیت عام لازم است که سوءنیت خاص نیز وجود داشته باشد، بدین معنی که علاوه بر قصد ارتکاب عمل

نخواهد شد. پس اگر کسی برای ارتکاب جرمی مدت‌ها بیندیشد و نقشه بکشد و ابزار ارتکاب جرم فراهم آورد و حتی برای انجام نقشه خود و ارتکاب به راه افتد، ولی به هر انگیزه که در وی پدید آید، در جرم وارد نشود و به اراده و تصمیم خود از ارتکاب آن منصرف گردد، مرتکب جرمی نشده است» (نجفی، ۱۴۲۲: ۳۶۱). از دید شیخ انصاری: «قصد ارتکاب جرم، تجری و بی‌پروایی و بی‌مبالاتی نسبت به قوانین اسلامی است و آن درخور نکوهش بوده، ولی جرم نیست و نمی‌توان کیفری برای آن قائل شد» (شیخ انصاری، ۱۴۱۷: ۵۴).

۱-۱-۱- جرم تجری

«تجری، یعنی جرأت و بی‌پروایی در عصیان و نافرمانی قانون‌گذار و جسارت و بی‌اعتنایی در برابر قانون. تجری این است که کسی عملی را به تصور و قطع بر این که جرم است، مرتکب شود و سپس کاشف به‌عمل آید که آنچه را به نام جرم مرتکب شده، جرم نبوده است» (فیض، ۱۳۸۴: ۲۰۳). «ابن حزم بی‌آنکه نامی برای این مسأله ذکر کند، مثلاً (تجری) مثال‌هایی برای آن می‌آورد، از جمله این‌که: کسی با زنی که او را بیگانه می‌داند، درمی‌آمیزد و عمل خود را با قطع به این که زناست و جرم موجب حد است، انجام می‌دهد، سپس معلوم می‌شود که آن زن بیگانه نبوده، بلکه زن خود او بوده است» (گلدوزیان، ۱۳۸۴: ۴۹). به گفته ابن حزم: «این کار زنا نیست و جرم نیست و حد ندارد، بلکه فقط سهل‌انگاری در ارتکاب زنا به‌شمار می‌رود» و سپس چنین ادامه می‌دهد که: «بر آن شخص نام زانی و زناکار صدق نمی‌کند و هرکس، این نسبت را به او بدهد، مرتکب جرم قذف شده و درخور کیفر است، ولی او هم در پیشگاه خداوند گناهکار است، زیرا در راه ارتکاب جرم از خود بی‌مبالاتی و سهل‌انگاری نشان داده و به فضایل و قوانین اسلام و قانون‌گذار توهین کرده است» (ابن حزم، ۱۳۴۵: ۱۱۷).

۱-۱-۲- جرم محال

«جرم محال جرمی است که همه ویژگی‌های یک جرم واقعی را دارد، به‌جز این‌که به‌علت وجود حالت و خصوصیتی در کسی یا چیزی که هدف جرم قرار گرفته است، ارتکاب جرم غیرممکن می‌شود، مثل این‌که کسی قصد قتل دیگری را داشته و ابزار و وسایل این جرم را فراهم کرده و حتی دست

مجرمانه باید قصد دیگری هم که از طرف قانون برای تحقق جرم ضروری شناخته شده، مصداق پیدا کند، فرضاً در جرم ایراد ضرب وجود سوءنیت عام در امر زدن طرف مقابل است و لازم نیست که ضارب قصد صدمه‌رساندن به طرف را نیز داشته باشد، درحالی‌که در قتل علاوه بر قصد و عمد در ارتکاب عمل مجرمانه فرضاً تیراندازی با زدن طرف (عمد عام)، باید قصد کشتن طرف را نیز داشته باشد (عمد خاص)، تا مرتکب به عنوان قاتل عمدی مسؤول شناخته شود» (گلدوزیان، ۱۳۸۴: ۱۸۱) یا در اشاعه اکاذیب موضوع ماده ۶۹۸ ق.م.ع.م.ا. (ماده ۹۸ ق.م.ا، ۱۳۸۹).

۲-۲- سوءنیت ساده و سوءنیت مشدد

«سوءنیت ساده عبارت است از: خواستن ارتکاب فعل مجرمانه به‌نحوی که بین تفکر و وقوع جرم فاصله‌ای وجود نداشته باشد و قبلاً مرتکب برای آن نقشه‌ای طراحی نکرده باشد، مثل این‌که دو نفر به‌دنبال مجادله و رد و بدل کردن الفاظ ناموسی با یکدیگر گلاویز شده و ناگهان یکی از آن دو دیگری را به قتل برساند، ولی سوءنیت با سبق تصمیم زمانی است که بین ارتکاب فعل و تفکر مجرمانه فاصله زمانی طولانی وجود داشته و فاعل در این فاصله به اندیشه و زمینه‌سازی برای ارتکاب جرم بپردازد. با آنکه از نظر تحقق جرم فرقی میان سوءنیت ساده و سوءنیت با سبق تصمیم نیست، لیکن در بعضی از نظام‌های جزایی سوءنیتی که توأم با اندیشه قبلی باشد، باعث تحمل مجازات شدیدتری می‌گردد» (شامبیاتی، ۱۳۷۶: ۴۱۲). در قانون مجازات اسلامی مقررات صریحی در زمینه سوءنیت با سبق تصمیم پیش‌بینی نشده، ولی در ماده ۵۲ ق.م.ا.آ. و اذیت و مسلح‌بودن در سرقت را که حاکی از سوءنیت با سبق است، قانون‌گذار کیفر چنین سرقت‌هایی را تشدید نموده است (ماده ۶۵۲ ق.م.ا، ۱۳۸۸).

۲-۳- سوءنیت جازم و سوءنیت احتمالی

«اگر مسأله خواستارشدن نتیجه مجرمانه عمل را مد نظر قرار دهیم، می‌توان سوءنیت را به جازم و احتمالی تقسیم کرد. در سوءنیت جازم مرتکب با علم و آگاهی فعل مجرمانه را انجام می‌دهد و نتیجه مجرمانه را صریحاً خواستار است، مانند این‌که

کسی با اسلحه به دیگری شلیک می‌کند و قطعاً خواهان سلب حیات از مجنی‌علیه است. سوءنیت احتمالی زمانی است که مرتکب عملی را انجام می‌دهد و احتمال ترتیب نتیجه‌ای را هم می‌دهد، ولی قطع و یقین ندارد که چنین بشود. برای مثال اگر راننده اتوبوسی باوجود علم به نقص فنی وسیله نقلیه‌اش اقدام به مسافركشی کند و احتمال تصادف را هم بدهد، ولی یقین نداشته باشد که حتماً حادثه‌ای رخ می‌دهد و اتفاقاً اتوبوس دچار حادثه‌ای شود و بالنتیجه عده‌ای کشته و یا زخمی شوند، در اینجا سوءنیت راننده اتوبوس، احتمالی است یا مثال خلبانی که باوجود عیب و نقص در هواپیما قبول می‌کند که پرواز کند و یا راننده‌ای در پیچ شیب‌دار اقدام به سبقت نماید و با اتومبیلی تصادف و مسافری آن کشته شوند» (صانعی، ۱۳۷۱: ۳۲۱). در قانون جزای ایران درخصوص مجازات برای سوءنیت احتمالی چنین مقرر شده است: «هر گاه آتش‌سوزی و تخریب و سایر اقدامات انجام‌شده منتهی به قطع یا نقص عضو یا جراحت و صدمه به انسانی شود، مرتکب علاوه بر مجازات‌های مذکور، حسب مورد به قصاص و پرداخت دیه و در هر حال به تأدیه خسارات وارده نیز محکوم خواهد شد» (ماده ۶۸۹ ق.م.ا، ۱۳۸۸).

۲-۴- سوءنیت معین و سوءنیت غیرمعین

«در سوءنیت معین جرم، نسبت به شخص یا شیء معین که مورد قصد مرتکب بوده، واقع می‌شود، مانند این‌که کسی با کشتن فرد معین او را به قتل برساند» (علی‌آبادی، ۱۳۶۸: ۶۵) که طبق ماده ۲۰۶ ق.م.ا. (۱۳۸۸) قانون مجازات اسلامی قتل عمد محسوب می‌شود: «هرگاه سوءنیت علیه شخص به‌خصوصی نباشد و برای او فرقی نکند که مجنی‌علیه چه کسی باشد، سوءنیت نامعین است، مانند بمب‌گذاری در اماکن عمومی نامعین‌بودن مجنی‌علیه ابداً تأثیری در مسؤولیت کیفری عامل ندارد. همچنین در قانون مجازات اسلامی این عمل قتل عمد محسوب می‌شود.»

۳- جرم در رابطه با قصد (قتل)

در این قسمت تلاش شده به بررسی نقش قصد در جرم‌ها بررسی شود که به‌عنوان مثال جرم قتل پرداخته می‌شود. «جرم‌ها (قتل) در این تقسیم سه دسته می‌شوند: ۱- قتل عمد؛ ۲- قتل شبه‌عمد؛ ۳- قتل خطا» (فیض، ۱۳۷۹: ۱۸۶).

۳-۱- قتل عمد

«قتل عمد جرمی است که شخص بالغ و عاقل با قصد و اختیار مرتکب آن می‌شود و نتیجه مجرمانه آن را نیز خواستار است» (عاملی (شهید اول)، ۱۳۸۴: ۴۹۷) و «این نشانه بدمنشی و تبهکاری مرتکب و میل او به ارتکاب جنایت است. در قتل عمد فرق نمی‌کند که قتل به مباشرت ارتکاب شود یا به تسبیب مباشرت در قتل، مثل این که کسی با حلقه کردن انگشتان دست‌ها به دور گلوی دیگری او را خفه کند یا با زدن شمشیر و کارد و سنگ تیز، دیگری را از پای درآورد که همه این‌ها عرفاً مباشرت در قتل است» (فیض، ۱۳۸۴: ۳۷۴). «تسبیب مثل قصد کشتن کسی به وسیله تیراندازی کردن به سوی او یا با تفنگ و هفت تیر و ... به سوی او شلیک کردن یا با طناب به دور گلوی او بستن تا بمیرد یا سر او را زیر آب فروبردن تا بمیرد» (گلدوزیان، ۱۳۸۴: ۱۹۸). «وسيله‌ای که در قتل عمد به کار می‌رود، فرق نمی‌کند که آلت قتاله باشد، مانند تفنگ، بمب، نارنجک یا شمشیر و خنجر و کارد یا آلت قتاله نباشد و آن ابزاری است که معمولاً کشنده نیست، مانند تازیانه، چوب و عصا، ولی به شرط این که عمل او موجب قتل گردد» (نیآوردی، ۱۴۰۹: ۲۵). در پاره‌ای قتل‌ها در این که عمدی است یا غیرعمدی، میان فقهای اسلامی اختلاف است، از جمله امام خمینی (ره) که فرموده: «اگر عمداً جراحی بر کسی وارد کند و آن، جراحت سرایت نماید و منجر به مرگ شود، در صورتی که جراحت مزبور غالباً مسری باشد، قتل عمد محسوب می‌شود و یا در صورتی که به آن جراحت‌زدن قصد قتل کرده باشد، باز عمد است» (موسوی خمینی، ۱۳۸۴: ۱۲۴).

۳-۲- قتل شبه‌عمد

«در قتل شبه‌عمد، مرتکب کار دیگری غیر از قتل را قصد کرده که تصادفاً منجر به قتل شده و او این نتیجه مجرمانه را خواستار نبوده است» (عاملی (شهید اول)، ۱۳۸۴: ۵۴۸). «در قتل شبه‌عمد بدمنشی و سوءسریه وجود ندارد و مرتکب شخص تبهکاری نیست، مثل این که معلمی شاگرد خود را با افسری سرباز خود را برای تأدیب و آشنا کردن به وظیفه احیاناً کتک می‌زند و تصادفاً مضروب و در اثر ضربت می‌میرد یا پزشکی با تجویز دارویی موجب قتل بیمار خود می‌گردد. می‌توان گفت مرتکب در فعل خود عاقد است، اما در قصد

خود خاطی است، بدین معنی که او به کتک‌زدن که فعل اوست عاقد است، یعنی قصد دارد، ولی انگیزه و قصد او از کتک‌زدن تأدیب و تربیت بوده و در این قصد خطا کرده است، زیرا به جای آنکه بر فعل او این اثر مترتب گردد، اثر قتل که مقصود او نبوده است، مترتب شده است. قتل شبه‌عمد در این نوع قتل فعل مرتکب نوعاً کشنده نیست و قصد سلب حیات هم ندارد، اما در عمل منجر به مرگ وی می‌شود، مثل این که شخص سالم و با جثه نسبتاً خوبی را از جای کوتاهی پرت کنند، ولی اتفاقاً فرد مذکور پس از سقوط فوت کند. فرقی نمی‌کند که این عمل مجاز یا غیرمجاز باشد. این عمل آگاهانه انجام گرفته است، اما قصد قتل در میان نیست و عمل انجام یافته نیز کشنده نبوده و اتفاقاً موجب قتل می‌شود. به عنوان مثال فرض کنید آموزگار دبستانی به واسطه بی‌نظمی دانش‌آموز در سر کلاس درس به او سیلی می‌زند و وی بر اثر این ضربه فوت می‌نماید، در اینجا یک قتل غیرعمد واقع شده است یا مانند طبیبی که بیمار را به طور متعارف معالجه کند و اتفاقاً سبب جنایت بر او شود» (نیآوردی، ۱۴۰۹: ۲۶).

عنصر روانی جرایم غیرعمدی عبارت است از: اراده فعل یا ترک فعل توأم با تقصیر یا خطای جزایی تقصیر یا خطای جزایی نیز عبارت است از بی‌احتیاطی، بی‌مبالاتی و عدم رعایت مقررات و نظامات دولتی پس جرایم غیرعمد، جرایمی است که در آن‌ها مرتکب فقط اراده ارتکاب عمل را دارد و به هیچ وجه خواستار نتیجه نیست (ماده ۲۵ ق.م.، ۱۳۸۹)، مثلاً در تصادف منجر به فوت راننده فقط قصد و اراده راننده اتومبیل را داشته و هیچ‌گاه کشتن عابر پیاده را در مخیله خود دنبال نکرده است.

۳-۳- قتل خطا

«در قتل خطا، جرم از روی خطای محض و اشتباه از کسی صادر می‌شود و او هرگز قصد ارتکاب آن را نداشته است» (جبعی (شهید ثانی)، ۱۳۸۴: ۵۴۸). «مثل آنکه کسی به سوی شبحی که از دور پیداست به خیال این که شکار است، تیراندازی می‌کند و آن را می‌کشد و سپس کاشف به عمل می‌آید که آن انسان است نه، شکار یا کسی سرگرم پاک کردن تفنگ خود است و ناگهان تیری از آن شلیک می‌شود و

«بر این مسأله دو اشکال وارد شده است: ۱- یکی آنکه قصد گناه غیراختیاری است و مؤاخذه و عقوبت بر آن قبیح است؛ ۲- دیگر آنکه روایاتی در عفو آن رسیده است. امام صادق (ع) فرمودند: «همانا مؤمن قصد حسنه کند و بدان عمل نکند، برایش یک حسنه نوشته شود، اگر آن را عمل کند، برایش ده حسنه نوشته شود و همانا که مؤمن قصد بد کرداری کند، ولی آن را انجام ندهد، پس برایش نوشته نشود» (مجلسی، ۱۴۰۴: ۲۹۲).

فقه‌ها در پاسخ از اشکال اول گفته‌اند: «آنچه غیراختیاری است، حدیث نفس و خاطره و میل است، اما عزم و جزم بر گناه اختیاری است، یعنی انسان پس از پیدایش میل به گناه می‌تواند به سبب حیا یا خوف از پروردگار، خودداری کند و عزم ننماید. توضیح مطلب آنکه هر فعل اختیاری که از انسانی سر زند، پیش از صدور آن چهار حالت در باطن انسان پدید می‌آید (اربعه‌خطور، میل، اعتقاد، عزم)، مثلاً شخصی گناهی به دلش می‌گذرد، سپس به آن میل و رغبت می‌کند، پس از آن، دلش می‌گوید باید آن را انجام داد، پس اگر مانع خارجی یا داخلی، مانند حیا و ترس نباشد، به آن گناه عزم و اراده می‌کند و انجامش می‌دهد» (کلینی، ۱۳۸۸: ۱۷۴).

«حالت اول را تصور خاطره حدیث نفس و وسوسه گویند؛ حالت دوم را رغبت، میل، طبع و شوق گویند؛ حالت سوم را اعتقاد؛ حالت چهارم عزم و اراده است، چون این چهار حالت دانسته شد، می‌توان گفت آنچه اضطراری و غیراختیاری است حالت اول و دوم است، زیرا کنترل کردن خود از خاطره ناروا و میل به آن، مشکل و گاهی محال است و بنابراین مورد تکلیف نیست و مؤاخذه و عقوبت بر این دو حالت عقلاً قبیح است، اما حالت سوم، یعنی حکم به این که آن کار را باید به‌جا آورد، پس گاهی بی‌اختیار واقع می‌شود، بر آن هم مؤاخذه نیست و گاهی با اختیار است، یعنی می‌تواند آن را انجام ندهد، پس بر انجام آن مؤاخذه است، اما حالت چهارم که اختیاری بودن آن آشکار است، زیرا پس از پیدایش سه حالت مزبور اراده حتمی نیست، بلکه ممکن است به‌واسطه بودن مانع خارجی یا داخلی از آن صرف نظر کند و اراده ننماید، اما اگر اراده کرد وقوع فعل حتمی است، بنابراین عزم و اراده مورد تکلیف است و استحقاق مؤاخذه و عقوبت بر آن عقلی می‌باشد» (دستغیب، ۱۳۷۹: ۳۷۸).

تصادفاً به انسانی برخورد می‌کند و او را می‌کشد یا کسی در تیراندازی و هدف‌گیری دچار لغزش می‌شود و به‌جای آنکه تیر به هدف اصابت کند، انسانی را از پای درمی‌آورد یا کسی در خواب به روی دیگری می‌غلند و مایه مرگ او می‌شود یا فعل کسی سبب وقوع جنایت می‌شود، مثل این که یکی چاهی می‌کند و دیگری در آن می‌افتد و کشته می‌شود، کسی سنگی در راه می‌افکند دیگری در برخورد با آن کشته می‌شود. تمام این نمونه‌ها که برخی به مباشرت و برخی به تسبیب تحقق یافته است همه از مصادیق قتل خطاست» (فیض، ۱۳۸۴: ۱۴۹). «نکته برای قتل خطای محض صرفاً مجازات دیه پیش‌بینی شده است (بند «الف» ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی) و وفق بند «ج» ماده ۳۰۲ قانون مجازات اسلامی دیه قتل خطا محض باید در ظرف سه سال پرداخت شود و حال آنکه چنانکه قبلاً ملاحظه شد، مجازات قتل در حکم شبه‌عمد علاوه بر پرداخت دیه حبس تعزیری است و دیه قتل مذکور برحسب بند «ب» ماده ۳۰۲ قانون اخیرالذکر باید در ظرف مدت دو سال پرداخت گردد. براساس مفاد ماده ۳۰۳ در قتل در حکم شبه‌عمد اگر قاتل که مسؤول پرداخت دیه است (ماده ۳۰۴)، نتواند در مدت معین دیه قتل را پرداخت کند، به او مهلت مناسب داده می‌شود و به هر حال شخصاً مسؤول پرداخت دیه است، لیکن در قتل محض که چنانچه با بینه یا قسامه یا علم قاضی ثابت شود، پرداخت دیه به عهده عاقله است، اگر عاقله به پرداخت دیه در مهلت مقرر نباشد، دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود» (اردبیلی، ۱۳۸۴: ۳۱).

۴- قصد و اراده ارتکاب گناه

از نظر برخی فقها «آنچه از آیات و روایات برای اثبات حرمت شرعی عزم بر گناه نقل شد، مؤید حکم عقلی بر استحقاق عقوبت بر آنست، زیرا کسی که بر گناهی عازم و جازم شد، عقل بر استحقاق مؤاخذه و مرتبه‌ای از عقوبت برای او حکم می‌کند، چون در آن، حال از فرمان خدا بیرون شده و سرکشی کرده و اگر آن گناه را هم انجام داد، استحقاق مرتبه شدیدتری از عقوبت را دارد و هرکس به وجدان خود مراجعه کند، در این حکم عقلی تردیدی نخواهد داشت و آیات و روایات هم گواه این حکم عقلی است» (دستغیب، ۱۳۷۹: ۷۸۴).

استحقاق عذاب دارد و اگر مانع دیگری از وقوع قتل پیش آید، همان مرده است و استحقاق عذاب دارد و اگر مانع دیگری از وقوع قتل پیش آید، همان استحقاق عقوبت به عزم بر گناه که نموده بود، باقیست و توبه از آن واجب است» (کلینی، ۱۳۸۸: ۴۲۹).

در این مبحث دیدگاه فقها با استناد به آیات و روایات مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱- «چیزی را که بدان علم نداری دنبال مکن، زیرا گوش و چشم و قلب همه مورد پرسش واقع خواهند شد»، یعنی در قیامت به انسان می‌گویند چرا شنیدی آنچه را روا نبود بشنوی؟ و چرا نظر کردی در آنچه برای تو روا نبود نظر کنی؟ و چرا عزم کردی بر آنچه بر تو حلال نبود که بر آن عزم کنی؟ (اسرا/۳۶) به تعبیری این آیه دلالت دارد بر این‌که بنده به عزم بر گناه مؤاخذه خواهد شد» (دستغیب، ۱۳۷۹: ۷۸۲)، آشکار و پنهان باز پرسیده می‌شود.

۲- «آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است، از آن خداست و اگر آنچه در دل‌های خود دارید، آشکار یا پنهان کنید، خداوند شما را به آن محاسبه می‌کند؛ آنگاه هر که را بخواهد می‌بخشد و هر که را بخواهد عذاب می‌کند و خداوند بر هر چیزی تواناست» (بقره/۲۸۴). «آیه شریفه عمومیت دارد و اعتقادات و ملکات و نیات را شامل می‌شود، یعنی هر عقیده و خلق و عزیمتی خیر باشد یا شر اگر در نهان خود جای دادید و بر آن ثابت و مستقر شدید همه آن‌ها مورد محاسبه و مجازات الهی خواهد بود، ولی (خاطره‌ای زودگذر که در دل قرار می‌ندارد، چون غیراختیار است از مورد محاسبه بیرون است)» (نراقی، ۱۳۷۹: ۲۳۶).

در تفسیر مجمع‌البیان آمده: «تنها چیزی که مورد محاسبه و مؤاخذه خواهد بود، همان عزم انسانی است که دل بر آن بسته با این‌که بر نگاهداری خود از آن توانایی دارد. بنابراین عزم از افعال قلبی است و بر آن جزا داده می‌شود، چنانچه بر افعال جوارحی جزا داده می‌شود، اما با این تفاوت که در عزم به گناه، جزای عزم به گناه داده می‌شود، نه جزای همان گناه مثلاً کسی که عازم بر قتل نفس می‌شود، ولی موفق نمی‌گردد،

اگر در روایات دقت شود، معلوم می‌گردد که قصد گناه معصیت و سینه‌ای است که از آن عفو شده و نوشته نمی‌گردد نه این‌که اصلاً گناه نباشد، مثلاً در این دو روایت دقت کنید «عبدالله بن موسی بن جعفر از پدر بزرگوارش پرسید از دو فرشته‌ای که مأمور ثبت اعمالند، آیا می‌دانند قصد گناه یا ثواب را هرگاه بنده‌ای آن را اراده کند؟ یعنی از نیت، آگاه می‌شوند؟ امام فرمود: آیا بوی میال و عطر یکی است؟ گفتیم نه فرمود: به‌راستی چون بنده‌ای قصد کار خوب کند، نفس او خوشبو برآید و فرشته دست راست که مأمور ثبت اعمال نیک است، به فرشته دست چپ که مأمور ثبت کارهای بد است، گوید برخیز توقف کن، زیرا او قصد کار خوب دارد و چون آن کار خوب را انجام دهد، زبانش قلم او باشد و آب دهانش مداد او و آن را برایش ثبت کند و چون قصد گناه کند، نفس بدبو و گند درآید و فرشته دست چپ به فرشته دست راست گوید: توقف کن او قصد کار بدی دارد، چون آن کار را بکند زبانش قلم او باشد و آب دهانش مداد او و آن را برایش ثبت کند و خلاصه کسی که قصد گناهی می‌کند، گند معنوی عزم بر معصیتش به مشام ملک می‌رسد، اما اگر آن گناه را به‌جا نیاورد، از او عفو می‌شود و چیزی بر او نوشته نمی‌شود» (کلینی، ۱۳۸۸: ۴۲۹). در حدیث دیگر می‌فرماید: «و اگر به دل بگذراند که گناهی کند مادام که به‌جا نیاورده، آنچه را به دل گذرانیده می‌آمرزیم» (فیض کاشانی، ۱۳۸۳: ۷۴). باتوجه به روایاتی که ذکر شد، آشکار است که آمرزش گناه‌بودن نیت گناه است و به‌دلیل عقل و نقل که بیان شد و به گواهی روایات، عفو نیز مشخص گردید که قصد گناه نوعی معصیت است.

۵- مقایسه قصد ارتکاب گناه و جرم

«هر مسلمانی، اگر قصد گناهی کند و انجام‌دادن آن را عازم شود، همین عزم گناهی است قلبی و مستحق عقوبت الهی است، یعنی عقوبت تمرد و سرکشی و بیرون‌رفتن از فرمان خداوند، مثلاً اگر کسی آماده شود برای کشتن بی‌گناهی، این قصدش گناه قلبی او است و بر او واجبست این عزیمت شیطانی را فسخ و توبه از آن واجب فوری است و اگر توبه نکند و بر آن عزمش مصر و مستمر شود، خود گناه و سزاوار عقوبت است و چنانچه مرگش در آن حال گناه مرده است،

امام صادق (ع) فرمود: «همانا که خداوند مردم را در قیامت بر نیت‌هایشان محشور می‌گرداند» (حر عاملی، ۱۴۱۳: ۴۳) و همچنین فرمود: «همانا دوزخیان در دوزخ جاویدند برای آنکه نیت دارند در دنیا که اگر جاوید بمانند، در آن همیشه نافرمانی خدا کنند و همانا اهل بهشت در آن جاوید بمانند، در آن همیشه نافرمانی خدا کنند و همانا اهل بهشت در آن جاویدند برای آنکه نیتشان در دنیا اینست که اگر همیشه در آن بمانند، از خدا اطاعت کنند، پس دوزخیان و بهشتیان به وسیله نیت‌هایشان جاوید بمانند، سپس قول خدا را خواند که می‌فرماید بگو هر کس عمل می‌کند بر طبع و منش خود، یعنی بر نیت خود» (کلینی، ۱۳۸۸: ۲۲۰).

امیرالمؤمنین (ع) فرمود: «ای مردم جز این نیست که خشنودی به منکرات و خشمگینی به معروف مردمان را در عذاب الهی جمع می‌کند و جز این نیست که یک فرد، ناقه صالح قوم ثمود را پی کرد و کشت، پس خدا همه آن قوم را هلاک کرد، چون همه آن‌ها به کار آن مرد خشنود بودند و از این روی فرمود آن‌ها کشتند ناقه را و پس از رسیدن عذاب به آن‌ها همه پشیمان شدند و عذاب، ایشان را فراگرفت» (شریف رضی، ۱۳۸۴: ۲۲۹). از این چند روایت و روایات دیگر به خوبی دانسته می‌شود که خشنودی به گناه حرامست، پس عزم بر گناه که پس از رضایت است به طریق اولی حرام و گناه است.

تصمیم مجرمانه جرم تلقی نمی‌شود و این مورد توجه قانون‌گذار اسلامی قرار گرفته و در تبصره ۱ ماده ۴۱ قانون مجازات اسلامی مقرر داشته: «مجرد قصد ارتکاب جرم و عملیات و اقداماتی که فقط مقدمه جرم بوده و ارتباط مستقیم با وقوع جرم نداشته باشد، شروع به جرم نبوده و از این حیث قابل مجازات نیست» (ماده ۴۱ ق.م.ا، ۱۳۸۸). با این وجود، استثنائاً در مواردی قصد و اراده فاعل قبل از این که آثار خارجی پیدا کند، به صورت جرم مستقلی مطرح می‌شود، مانند تهدید به قتل یا ضررهای نفسی یا شرفی یا تهدید به افشای سر، موضوع مواد ۶۶۸ و ۶۶۹ قانون مجازات و همچنین مواد ۶۱۰ و ۶۱۱ که موضوع آن‌ها اجتماع و تبانی علیه امنیت خارجی یا داخلی مملکت است.

نتیجه‌گیری

قصد ارتکاب جرم که اولین مرحله از مراحل ارتکاب جرم است، به دلیل این که به مرحله فعلیت نرسیده، مجازاتی به آن

تنها بر همان عزم مجازات می‌شود نه جزای قتل نفس، چون قتل نفس نکرده، ولی در عزم به طاعت، جزای همان طاعت به او داده می‌شود، چنانچه در روایات آمده که منتظر نماز، مادامی که در حال انتظار است در نماز می‌باشد، یعنی ثواب نماز خواندن به او داده می‌شود و اگر عمل خیر را انجام داده، ده برابر نوشته می‌گردد» (طبرسی، ۱۳۸۳: ۱۳۸).

۳- «کسانی که دوست دارند که زشتکاری در میان آنان که ایمان آورده‌اند، شیوع پیدا کند برایشان، در دنیا و آخرت غذایی پردرد خواهد بود و خدا است که می‌داند و شما نمی‌دانید» (نور/۱۹۱). در این آیه شریفه حب گناه اشاعه فحشا را گناه دانسته و بر آن وعده مجازات الهی داده است.

۴- «آن سرای آخرت را برای کسانی قرار می‌دهیم که در زمین خواستار برتری و فساد نیستند و فرجام [خوش] از آن پرهیزگاران است» (قصص/۸۳). «مراد از فساد در این آیه هر گناهی است، زیرا هر گناهی به واسطه یا بدون واسطه موجب فساد در زمین است و بنابراین اراده قلبی و خواستن هر گناهی مانع دخول در بهشت است» (دستغیب، ۱۳۷۹: ۷۸۲).

رضایت به گناه، گناه و سزاوار مجازات است. در پاره‌ای از احادیث آمده است: «برای کسی که راضی به گناه باشد، یک گناه و برای آنکه وارد عمل شود دو گناه نوشته می‌شود، ظاهراً مقصود آن است که گناه عامل دو برابر گناه راضی است، زیرا آنکه رضایت دارد، تنها قلباً مرتکب گناه شده، ولی عامل قلباً و عملاً گناهکار است، پس باید کیفر بیشتری را تحمل کند» (نراقی، ۱۳۷۹: ۲۳۶).

لازم است به برخی از آیات و روایات که در این بحث مورد استناد واقع شده است، اشاره کنیم: «همانا که گفتند خدا با ما پیمان بسته که به هیچ پیامبری ایمان نیاوریم تا برای ما قربانی بیاورد که آتش آسمانی آن را به نشانه قبول بسوزاند بگو قطعاً پیش از من پیامبرانی بودند که دلایل آشکار را با آنچه گفتید، برای شما آوردند، اگر راست می‌گویید پس چرا آنان را کشتید؟ چون یهودیان عصر پیامبر (ص) به اعمال و نیاکان و گذشتگان خود راضی بودند و نسبت به آن اظهار خرسندی می‌کردند، در مسؤولیت با آنان شریک و در گناهشان نیز سهیم بودند» (آل عمران/۱۸۳).

منابع و مأخذ

- قرآن کریم.
- ابن حزم، ابومحمد علی (۱۳۴۵). *الاحکام فی اصول الاحکام*. جلد چهارم، الطبعة الثالث، مصر: مطبعة السعادة.
- اردبیلی، محمد علی (۱۳۸۴). *حقوق جزای عمومی*. چاپ هفدهم، تهران: نشر میزان.
- انصاری، مرتضی (۱۴۱۷). *فرائد الاصول (رسائل)*. الطبعة الاولى، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- پاینده، ابوالقاسم (۱۳۶۱). *نهج الفصاحه*. چاپ اول، قم: انتشارات جاوید.
- جبعی عاملی، زین‌الدین (شهید ثانی) (۱۳۸۴). *الروضه البهیه فی شرح اللمعه الدمشقیه*. الطبعة الرابع، قم: ارغوان دانش.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۳). *وسایل الشیعه*. جلد پانزدهم، الطبعة السادس، بیروت: مؤسسه آل‌البیت.
- دستغیب، عبدالحسین (۱۳۷۹). *استعاذه*. چاپ اول، قم: دارالکتب الاسلامیه.
- دستغیب، عبدالحسین (۱۳۷۹). *قلب سلیم*. چاپ اول، قم: دارالکتب الاسلامیه.
- زراعت، عباس (۱۳۸۵). *حقوق جزای اختصاصی*. چاپ هجدهم، قم: انتشارات فکر سازان.
- ساکی، محمدرضا (۱۳۸۸). *حقوق جزای عمومی*. چاپ ششم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- شامبیاتی، هوشنگ (۱۳۷۶). *حقوق جزای عمومی*. چاپ دهم، تهران: انتشارات ژوبین.
- شریف‌الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴). *نهج‌البلاغه*. تصحیح صالح صبحی، چاپ ششم، قم: نشر هجرت.
- شیروی، مهسا؛ رستمیان، حنظله (۱۳۹۰). «بررسی نقش اراده در تحقق مسؤولیت کیفری در نظریات جرم‌شناختی و
- تعلق نمی‌گیرد، چون عقاب دایرمدار فعل است و اکثر فقها و حقوق‌دانان بر این عقیده‌اند. قانون مجازات اسلامی ایران نیز قائل به همین رویه است و برای قصد ارتکاب جرم مجازاتی را پیش‌بینی نکرده است.^۱ فقها بر این باورند که قصد ارتکاب جرم گناهی قلبی است و اگر کسی با همین قصد بمیرد، در جهان آخرت خداوند متناسب با همین قصد و نیتش او را محاسبه می‌کند که در این زمینه آیات و روایات زیادی وجود دارد که بعضی از آن‌ها بررسی شد. بنابراین اگر کسی قصد گناهی کرد، خداوند آن را مورد عفو قرار می‌دهد، مادامی‌که بر آن مصر نشود و بر او واجب است که توبه و بازگشت نماید و اگر برای ارتکاب آن گناه عازم شود، هرچند که موفق نشود (مثلاً به دلیل مانع خارجی) چون عزم از افعال قلبی است بر همان عزمش مجازات می‌شود با این تفاوت که مجازات آن گناه را نمی‌بیند، بلکه مجازات قصد و عزمش که همان تجری از درگاه ربوبی است را می‌بیند.
- ملاحظات اخلاقی:** در این پژوهش تمامی ملاحظات اخلاقی رعایت گردیده است.
- تعارض منافع:** نگارش این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.
- سهم نویسندگان:** در این پژوهش، نفر اول به‌عنوان نویسنده اصلی و نفر دوم به‌عنوان نویسنده مسؤول و نفر سوم به‌عنوان ناظر عمل کرده‌اند.
- تشکر و قدردانی:** لازم است از تمام کسانی که در تدوین این مقاله ما را یاری رسانده‌اند، قدردانی نماییم.
- تأمین اعتبار پژوهش:** این پژوهش بدون تأمین مالی انجام گرفته است.

^۱- البته استثنائاتی در ماده ۶۱۰ و ۶۱۱ آمده که در این مواد نیز مواردی مانند تهدید به قتل تهدید به ضررهای نفسی یا شرفی تبانی علیه امنیت داخلی و خارجی و ... خود قصد و اراده فاعل قبل از این‌که آثار خارجی پیدا کند، خود به‌عنوان جرم مستقل مطرح می‌شود.

- تأثیر آن بر مسؤولیت کیفری منحرفین جنسی». حقوق پزشکی. ۳(۱۷): ۴۳ - ۸۴.
- صانعی، پرویز (۱۳۷۱). حقوق جزای عمومی. چاپ نهم، تهران: انتشارات گنج دانش.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۶۵). تفسیر المیزان. جلد دهم، چاپ هفتم، قم: دارالکتب الاسلامیه.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۸۳). مجمع البیان. جلد سوم، چاپ ششم، بیروت: مؤسسه اعلمی.
- طوسی، حسن بن عبدالله (۱۳۵۳). الفروق اللغویه. جلد سوم، چاپ پنجم، قم: چاپ افست.
- عاملی، محمد بن جمال الدین مکی (شهید اول) (۱۳۸۴). اللغه الدمشقیه. جلد دوم، چاپ سوم، قم: ارغوان دانش.
- علی‌آبادی، عبدالحسین (۱۳۶۸). حقوق جنایی. چاپ دوم، تهران: انتشارات فردوس.
- عمید، حسن (۱۳۵۵). فرهنگ فارسی عمید. چاپ سوم، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- فتحی، محمدجواد؛ چنگایی، فرشاد و رهدارپور، حامد (۱۳۹۲). «تحدید قلمرو جرم محال». مجله حقوق اسلامی. ۱۰(۳۷): ۱۴۷ - ۱۶۹.
- فیض کاشانی، ملامحسن (۱۳۸۳). محججه البیضا. جلد پنجم، چاپ چهارم، تهران: انتشارات اسلامی.
- فیض، علیرضا (۱۳۷۹). تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام. چاپ دوم، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- فیض، علیرضا (۱۳۸۴). مبادی فقه و اصول. چاپ سوم، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۸). اصول کافی. جلد چهارم، چاپ هفتم، قم: دارالکتب السلامیه.
- گلدوزیان، ایرج (۱۳۸۴). بایسته‌های حقوق جزا. چاپ ششم، تهران: انتشارات میزان.
- مجلسی، محمدباقر (۱۳۷۵). بحار الانوار. جلد نود و یکم، چاپ هشتم، قم: دارالعلم.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴). مرآت العقول. جلد یازدهم، چاپ سوم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۸۴). تحریر الوسیله. جلد دوم، چاپ پنجم، قم: انتشارات اسلامی.
- نجفی، محمدحسن (۱۴۲۲). جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام. جلد چهل و یکم، چاپ هفتم، قم: انتشارات الغدیر.
- نراقی، مهدی بن ابی ذر (۱۳۷۹). جامع السعادات. ترجمه جلال مجتبیوی، جلد دوم، چاپ اول، تهران: انتشارات حکمت.
- نیآوردی، ابوالحسن علی بن محمد (۱۴۰۹). احکام السلطانیه. جلد دوم، چاپ اول، قاهره: مصطفی الیابی الجلیبی.